



پناهگاهی از مرگ نیست و همه کارها به دست خداست

مرگ از دیدگاه قرآن واقعه یا حادثه یا تجربه‌ای است که آدمیان با آن روبرو می‌شوند. این تجربه امری است که با فرو ریختن نظام بدن در خود آگاهی یا روح آدمی رخ می‌دهد و هیچ پناهگاهی از آن نیست، گرچه آدمی در قصرها و برج و باروهای محکم باشد.

مرگ از دیدگاه قرآن واقعه یا حادثه یا تجربه‌ای است که آدمیان با آن روبرو می‌شوند. این تجربه امری است که با فرو ریختن نظام بدن در خود آگاهی یا روح آدمی رخ می‌دهد و هیچ پناهگاهی از آن نیست، گرچه آدمی در قصرها و برج و باروهای محکم باشد.

۲۶۵ روز در صحبت قرآن نوشته استاد حسین محی‌الدین الهی قمشه‌ای کتاب چهارم از مجموعه کتاب‌های جوانان و فرهنگ جهانی است. این مجموعه با هدف شناساندن فرهنگ و ادبیات به جوانان اولین بار سال ۱۳۹۰ به همت نشر سخن تدوین منتشر شده است.

کتاب «۲۶۵ روز در صحبت قرآن» ۳۶۵ قطعه کوتاه و بلند از قرآن برای آشنایی جوانان با تعلیمات فراگیر قرآن انتخاب شده و کوشش شده است که این گنجینه تصویری از ابعاد گوناگون کلام آسمانی برای مخاطب ترسیم کند.

این کتاب، تفسیر در معنی اصطلاحی کلمه مانند تفاسیری چون کشاف و مجمع البیان و امثال آن نیست، بلکه بیشتر انعکاسی از کتاب وحی در ادب عرفانی فارسی و اسلامی است و نگاهی دارد به قرآن از دیدگاه ادبی، زیباشناسی و اخلاقی، اجتماعی و عرفانی.

گروه اندیشه‌ایکننا به منظور بهره‌مندی مخاطبان خود از این گنجینه قرآنی و ادبی اقدام به انتشار قطعه‌هایی از کتاب «در صحبت قرآن» کرده است. دوازدهمین قسمت از تحفه این کتاب با عنوان دعای «پناهگاهی از مرگ نیست و همه کارها به دست خداست» تقدیم مخاطبان گرامی می‌شود.

أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكُمْ قُلْ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ قَمَالٌ هُوَئِلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا (نساء/۷۸)

هر کجا که باشید مرگ شما را درمی‌یابد هرچند در قلعه‌ها و قصرهای محکم خانه کنید و منافقان را هر گاه خیر و نیکویی رسد می‌گویند این از جانب خداست (و خداوند با ما نظر لطف کرده است) و هرگاه برایشان سختی و بدی پیش آید آن را، ای رسول، به تو نسبت می‌دهند. (در پاسخ ایشان) بگوی چنین نیست بلکه هرچه بر شما می‌رسد همه از جانب خداست و عجباً از این مردم جاهل که از فهم چنین سخن‌های روشن دورند.

مرگ از دیدگاه قرآن واقعه یا حادثه یا تجربه‌ای است که آدمیان با آن روبرو می‌شوند. این تجربه امری است که با فرو ریختن نظام بدن در خود آگاهی یا روح آدمی رخ می‌دهد و هیچ پناهگاهی از آن نیست، گرچه آدمی در قصرها و برج و باروهای محکم باشد.

در حکایت‌ها آمده است که پادشاهی قصر عظیم و با شکوهی ساخته بود و معمار آن همه جهات حسن را در آن رعایت کرده و چیزی را فروگذار نکرده بود. در روز افتتاح بار عام داد و مردم از طبقات گوناگون به دیدن قصر آمده بودند و قصر و پادشاه را می‌ستودند. در آن میان درویشی بود که سلطان از او پرسید: «این قصر را چگونه می‌بینی؟» درویش گفت: «ساخت خوب است الا آنکه رخنه‌ای در آن هست که اگر بتوان باید پر کرد» سلطان متغیر شد که «درویش سخنان بی‌معنی می‌گویی، ما رخنه‌ای در هیچ‌جا نمی‌بینیم» درویش گفت: «چرا وقتی همه درها را ببندید مرگ را رخنه‌ای به قصر وارد می‌شود و صاحب آن را می‌رباید».

بخش دوم آیه، سخنی مستقلى است در بیان اندیشه و گفتار منافقان که هرگاه خیر و خوبی بدان‌ها رسد گویند این کار خداست (که ما را به عنایت نظر کرده است و بدین عنایت خیالی بر خلق فخر می‌فروشند) و اگر سختی و محنتی پیش آید رسول خدا(ص) را ملامت می‌کنند که اینها همه تقصیر تو و رسالت توست. خداوند در این آیه به صراحت پاسخ تمام آن منافقان و هر مدعی دیگر را چنین داده است که تمام آنچه بر شما می‌رسد مشیت و خواست الهی است (و استثنا و تبصره‌ای در آن راه ندارد).

ز داد تو بینم همه هر چه هست

دگر کس ندارد در این کار دست (فردوسی)

برد کشتی آنجا که خواهد خدا
وگر جامه بر تن درد ناخدا (فردوسی)

گر رنج پیشت آید و گر راحت ای حکیم
نسبت مکن به غیر که اینها خدا کند (حافظ)

در پایان آیه خداوند در پرسش عتاب آمیز می فرماید:

این قوم را چه پیش آمده که به درک و فهم این حقایق روشن حتی نزدیک نیست. علت دوری از فهم، مصلحت اندیشی و نفس پرستی است. در حقیقت انسان خودخواه خود را به نادانی می زند و می فریبد تا فهم نکند هر آن موعظه و نصیحت و حقیقت بدیهی را که مزاحم رسیدن او به مقصود های نفسانی اوست. خودپرستی نقطه اوج دوری از خدا و حقیقت است. خودپرستی نقطه اوج تنهایی است و خودپرستی نقطه اوج نزدیکی به شیطان است.